

## تبعات منفی فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی

مجید رهائی\*

سیدحسن حسینی مقدم\*\*

مهدی فلاح خاریکی\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۰

### چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل تبعات و پیامدهای فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی است. توسعه اقتصادی کشور در گرو سرمایه گذاری، استفاده از دانش فنی و تکنولوژی کشورهای پیشرفته در نظام تولیدی و راهیابی به بازارهای جهانی است. دستیابی به این مهم، از طریق شیوه های حقوقی گوناگون مشارکت در فعالیت های اقتصادی و تجاری با نقش آفرینی مقنن است. در حقوق ایران، در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور، گروه اقتصادی با منافع مشترک به عنوان قالب و ظرفیت جدیدی معرفی شد. این گروه یک تأسیس حقوقی است که بین اشخاص حقیقی بر مبنای مسئولیت تضامنی به صورت آزادانه تشکیل می شود؛ افرادی که به منظور استفاده از راه های مناسب برای پیشبرد فعالیت های اختصاصی مستقلشان دور هم جمع شده اند؛ لیکن شخصیت حقوقی آن از سوی قانون به رسمیت شناخته نشده است. وضعیت گروه منفعت اقتصادی این پرسش را به میان می آورد که تبعات فقدان شخصیت حقوقی این گروه چگونه است و جایگاه آن چیست؟ یافته های تحقیق نشان از آن دارد که برای عدم پذیرش شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی، تبعات منفی مختلفی را می توان گفت که از جمله آنها اشاره به بحث مالکیت بر دستاوردها، اموال و دارایی های مادی و معنوی، تزلزل در بقا، بی اعتمادی اشخاص ثالث و معضلات طرح دعوا له و علیه گروه اقتصادی است.

### کلیدواژگان:

انحلال، تبعات منفی، شخصیت حقوقی، مالکیت، منفعت اقتصادی.

\* دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله آملی، آمل  
rahaei.mj12@gmail.com

\*\* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)  
s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

\*\*\* استادیار، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل  
mehdifallahh@gmail.com

## مقدمه

اجرای پروژه های مهم توسعه ای، صنعتی و اقتصادی نیازمند همکاری و تعامل اشخاص حقیقی و حقوقی با تخصص های گوناگون است. ضرورت تجمیع تخصص ها و مهارت های مختلف و حتی همکاری تأمین کنندگان منابع مالی و ارائه دهندگان خدمات مدیریتی و نظارتی در قالب تشکل و گروه واحد، بیش از پیش بروز می کند.

گروه اقتصادی با منافع مشترک<sup>۱</sup> برای تحقق این اهداف و پاسخگویی به آن نیازهاست. این تأسیس حقوقی به عنوان یک ساختار جدید به منظور مشارکت انتفاعی در حقوق ایران، برای اولین بار به موجب ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به سیستم حقوق ایران معرفی شد. در این ماده، قانون گذار برای گروه اقتصادی با منافع مشترک، خصوصیات منحصر به فردی را وضع نموده است. از آن جمله، ثبت در مرجع ثبت شرکت ها در قالب مشارکت مدنی از جمله مقرراتی است که برای ایجاد و فعالیت های این گروه الزامی دانسته شد.<sup>۲</sup>

قانون گذار در سال ۱۳۸۹، به پیروی از کشورهای اروپایی در راستای کمک به فعالان اقتصادی تجاری در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی، گروه منفعت اقتصادی را به جامعه اقتصادی و حقوقی کشور معرفی نمود؛ اما تردید در شخصیت حقوقی این نهاد ابهاماتی را به همراه آورد.

در قانون تجارت، حدود مشخصی برای گروه منفعت اقتصادی ترسیم نشده و در حال حاضر، تنها منبع قانونی، برنامه پنجم توسعه است که به گونه ای اجمالی به موضوع پرداخته است. ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه نیز گروه اقتصادی را به عنوان قالب جدیدی برای قراردادهای فعالیت های تجاری و محیط کسب و کار کشور معرفی کرده است.

اما رویکرد فقدان شخصیت حقوقی برای گروه اقتصادی ممکن است کلیه اعمال، اختیارات و تعهدات این گروه را دگرگون سازد. به عنوان مثال، قانون گذار در ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب

1. Groupement d'intérêt économique.

۲. رستم زاده، قاسم، بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب، (گروه اقتصادی با منافع مشترک)، قضاوت، ۱۳۹۰، شماره ۷۴، ص ۱۶.

۱۳۱۱ بیان می‌دارد: هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و یا اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در بیاورد و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نماید، شرکت تضامنی محسوب شده، احکام راجع به شرکت‌های تضامنی درباره آن اجرا می‌گردد. فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی، مباحث متنوعی را همچون مسئولیت مؤسسان، قواعد ناظر بر گروه، تعهدات اعضا نسبت به یکدیگر، تعهدات اعضا نسبت به اشخاص ثالث و انحلال گروه را به همراه دارد. در واقع، باید بین تعهدات اعضا نسبت به اشخاص ثالث و تعهدات آنها نسبت به گروه و سایر اعضا تمیز قائل شد. رویکرد فقدان شخصیت حقوقی برای گروه منفعت اقتصادی، تبعات مختلفی را به دنبال دارد که این مقاله درصدد بررسی این تبعات است.

### ۱. چیستی گروه منفعت اقتصادی

گروه اقتصادی با منافع مشترک از جمله نهادهای ایجاد شده به منظور همکاری میان اشخاص و بنگاه‌های مشغول به فعالیت اقتصادی و تجاری است. در فرانسه این نهاد با نام (Groupement d'intérêt économique) گروه منفعت اقتصادی شناخته می‌شود و اصطلاح گروه اقتصادی با منافع مشترک در واقع برگردان این واژه در حقوق ایران توسط مقنن است؛ البته معادل‌های دیگری را حقوق‌دانان برای این اصطلاح ارائه کرده‌اند؛ از جمله، گروه‌بندی علایق اقتصادی و گروه منفعت اقتصادی.<sup>۱</sup>

در حقوق ایران، برای اولین بار، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۹ ذیل یک ماده و چند تبصره در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، به نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک پرداخته است.<sup>۲</sup>

علاوه بر قانون فوق، در پیش‌نویس لایحه قانون تجارت که در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیئت دولت رسید و تقدیم مجلس شد، به طور مفصل تری به قواعد و مقررات گروه اقتصادی پرداخته شده است.

۱. اشمیتوف، کلاپوم، *حقوق تجارت بین الملل*. ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و دیگران، تهران: سمت، ۱۳۷۸، ص ۵۲۳.

۲. حقانی، سعید، *گروه منفعت اقتصادی*. تهران: شهردانش، ۱۳۹۱، ص ۱۳.

لازم به ذکر است، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ این لایحه را به طور آزمایشی تصویب کرد، ولی با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی، مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد. در تعریف گروه اقتصادی می توان گفت: گروه اقتصادی با منافع مشترک، نهاد مستقلی است که از همکاری و مشارکت دو یا چند شخص، به منظور تسهیل و گسترش فعالیت های اقتصادی و تجاری اعضا، از طریق به هم پیوستن منابع، فعالیت ها و مهارت هایشان تشکیل می شود. در واقع، گروه اقتصادی این امکان را به اعضا می دهد که در یک نهاد حقوقی مستقل به همکاری و مشارکت در فعالیت خاصی بپردازند و از این همکاری نتیجه و سود بیشتری عایدشان شود تا اینکه بخواهند به تنهایی به فعالیت بپردازند.

## ۲. سیر تاریخی گروه منفعت اقتصادی در ایران

مفهوم حقوقی گروه منفعت اقتصادی از کشور اسکاتلند نشئت گرفته، از آنجا به نظام حقوقی انگلستان راه یافته و سپس به آمریکا و مستعمرات آنها و سایر کشورها تسری پیدا کرده است. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای سوسیالیستی (مانند چین و روسیه) هم برخلاف تضاد فلسفی خود با نظام حقوقی و اقتصادی کامن لا، پا را فراتر نهاده و این تکنیک حقوقی را در قالب قوانین خاص پذیرفته اند. در نظام کامن لا (حقوق آمریکا و انگلیس) مشارکت انتفاعی در کنار پارتنرشپ مطرح بوده و به همین دلیل گاهی در مراجع بین المللی، اصول حقوقی حاکم بر پارتنرشپ بر مشارکت انتفاعی حکومت می کند. در برخی کشورها، مانند فرانسه، قالبی خاص تحت عنوان گروه های اقتصادی با منافع مشترک معرفی شده که با اندکی تغییرات در سطح اتحادیه اروپا و تحت عنوان گروه های علائق اقتصادی اروپایی مورد استقبال واقع شده است. با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، جریان سرمایه گذاری خارجی با وقفه ای بزرگ روبرو شد. قانون اساسی ایران با دید بیگانه هراسانه به سرمایه گذاران خارجی، اصولی همچون اصل ۸۱ را انشا نمود که به موجب آن: «دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». بسیاری از اموال، مصادره یا ملی اعلام شدند که دیوان دآوری ایران و امریکا نشانگر گوشه ای از آنهاست. با این حال، فضا برای مشارکت های انتفاعی داخلی فراهم بود. قانون عملیات بانکی

بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و مواد ۱۸ تا ۲۲ آیین‌نامه فصل سوم آن قانون را می‌توان مستند اینگونه قراردادهای مشارکت اقتصادی در نظام حقوقی ایران و انواع آن تلقی نمود. ماده ۱۸ آیین‌نامه فوق‌الذکر تعریف ذیل را از مشارکت مدنی عرضه می‌دارد: «در آمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد».

فضای حاکم پس از انقلاب ۱۳۵۷، با بیگانه‌هراسی و عدم استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی شناخته می‌شود. در این فضا بی‌تردید مشارکت اقتصادی بین‌المللی با رکود همراه بود. با این حال، با پایان جنگ ایران و عراق و روی کار آمدن دولت‌هایی با رویکردهای لیبرال‌تر، جریان سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل گردید و در نتیجه مشارکت اقتصادی بین‌المللی نیز امکان بیشتری برای فعالیت یافت. تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، به منظور توسعه صادرات غیرنفتی و بر آورده شدن سایر اهداف برنامه، به دولت اجازه داده است که نسبت به تأسیس سه منطقه آزاد تجاری - صنعتی، لایحه‌ای تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۷۲، این قانون تحت عنوان قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران در ۲۶ ماده و چهار تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۲۱ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. تصویب این قانون، در واقع فصل جدیدی را در زمینه مشارکت تجاری بین‌المللی در حقوق ایران گشود و امتیازات قابل توجهی را به خارجیان یا ایرانیانی که در مناطق آزاد ایران سرمایه‌گذاری می‌نمودند، اعطا کرد و حمایت قانونی ویژه‌ای را در نظر گرفت. قانون مذکور یکی از پیشرفته‌ترین قوانین ایران است که ممکن است در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مفید واقع شود. آیین‌نامه‌های عدیده‌ای نیز در خصوص قانون فوق‌الذکر به تصویب هیئت وزیران و نهادهای قانونی ذی‌ربط رسیده است.<sup>۱</sup>

قانون بعدی مربوط به سال ۱۳۷۵، در خصوص یکی از زمینه‌های فعالیت مشارکت انتفاعی به نام پیمانکاری است. ماده ۳ قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵ مقرر

۱. الویری، مرتضی، نقش مناطق آزاد ایران در توسعه صادرات غیرنفتی، روزنامه سلام، ۱۳۷۶، ص ۱۰.

می‌دارد: از تاریخ تصویب این قانون، ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی صرفاً به مؤسسات و شرکت‌های داخلی مجاز است و در صورت عدم امکان، به پیشنهاد دستگاه اجرایی و تصویب شورای اقتصاد از طریق مشارکت از شرکت‌های ایرانی - خارجی مجاز می‌باشد و حداقل سهم ارزشی کار طرف ایرانی پنجاه و یک درصد خواهد بود. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ نیز به بعضی از زمینه‌های فعالیت مشارکت اقتصادی اشاره نموده که برخی از آنها به این قرار است:

۱. بند (الف) ماده ۱۲۲ قانون فوق‌الاشعار در خصوص صدور مجوز احداث پالایشگاه و واحدهای تولید سایر محصولات وابسته به صنعت نفت به بخش خصوصی یا تعاونی یا با مشارکت خارجی که دارای توان مالی کافی باشد و بند (ب) ماده مذکور نیز صدور مجوز احداث نیروگاه تولید برق به اشخاص فوق‌الذکر را اشعار می‌دارد. مفاد بند (ب) ماده ۱۲۲ قانون برنامه سوم نیز عیناً در ماده ۲۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳ تکرار گردیده است.

۲. بر اساس بند (الف) ماده ۱۲۴ قانون مزبور، امکان فعالیت بخش خصوصی که می‌تواند مشمول قرارداد مشارکت انتفاعی نیز گردد، در صنعت مخابرات فراهم و بر اساس ماده ۹۲ اجازه تأسیس مؤسسات اعتباری غیربانکی تفویض گردیده است.

۳. مواد ۱۲۸ و ۱۲۹ نیز به زمینه‌های دیگری اشاره نموده است. ماده واحده قانون تأسیس مؤسسات بیمه‌ای غیردولتی مصوب ۱۳۸۰ نیز تحت شرایطی تأسیس مؤسسه بیمه غیردولتی را به اشخاص داخلی تجویز نموده است. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۳۸۱ نیز مصوبه قابل توجهی است که امکان فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در کلیه زمینه‌های مرتبط با مشارکت اقتصادی را فراهم نموده است. در واقع، به موجب مواد یک و سه قانون فوق، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از طریق یک بنگاه اقتصادی با مالکیت مشترک سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت ایرانی تجویز شده است. ماده ۱ این قانون، به کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری را تجویز کرده است. ماده ۳ همان قانون نیز مقرر می‌دارد:

«سرمایه‌گذاری خارجی که بر اساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شود، از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردارند. این سرمایه‌گذاری‌ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند: الف ... - ب - سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های مشارکت مدنی». دست آخر باید به لایحه پیشنهادی قانون تجارت که در تیرماه ۱۳۸۴ به تصویب هیئت دولت رسیده و تقدیم مجلس گردیده است، اشاره نمود که تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. نهاد جدیدی به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در فصل پنجم از باب سوم که اختصاص به قراردادهای تجاری دارد، طی مواد ۱۰۱ تا ۱۲۱ لایحه مذکور معرفی و گامی نو در معرفی نهاد جدید و متفاوت از قراردادهای تجاری سنتی برداشته شده است.

### ۳. ماهیت حقوقی گروه منفعت اقتصادی

در خصوص ماهیت حقوقی گروه اقتصادی دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. برخی آن را صرفاً در قالب قرارداد، برخی دیگر تنها قالب مناسب را شرکت و برخی نیز دیدگاه‌های دیگری بیان کرده‌اند.

#### ۳.۱. در قالب مشارکت قراردادی

یکی از دیدگاه‌های مهم مطروحه در خصوص ماهیت حقوقی گروه اقتصادی، فرض مشارکت مدنی در قالب قرارداد است. گروه اقتصادی به مفهوم مشارکت مدنی عبارت است از: «درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به نحو مشاع، به منظور انتفاع، طبق قرارداد (ماده ۱۸ آیین‌نامه عملیات بانکداری بدون ربا).

گروه اقتصادی با منافع مشترک در ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه را می‌توانیم یک شرکت مدنی به حساب آوریم؛ البته با رعایت ضوابط و شرایط آنچه که در ماده ۵۱۱ قانون مدنی مندرج است و بدون در نظر گرفتن شخصیت حقوقی مستقل برای این گروه. براساس ماده ۵۸۵ قانون مدنی و مستفاد از ماده ۵۱۱ این قانون، چنانچه فعالیت شرکا در مقابل شخص ثالث موجب خسارت گردد، شریکی که موجب خسارت گردیده، مستقلاً ضامن پرداخت خسارت است. لکن به موجب تبصره ۱ ماده ۱۰۱ قانون پنجم توسعه، شرکا مسئولیت تضامنی در برابر اشخاص ثالث

دارند؛ مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگر مقرر نموده باشند و همچنین گروه اقتصادی با منافع مشترک که برای دوره محدود تشکیل می‌شود، بین طرفین لازم است، ولی در عقد شرکت اگر در ضمن عقد لازمی، مدت معین نشده باشد، هریک از شرکا هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند (ماده ۵۸۶ قانون مدنی).

در واقع همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نمی‌توان گروه اقتصادی با منافع مشترک را یک شرکت مدنی تمام عیار در ماده ۵۱۱ قانون مدنی دانست.

مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. وانگهی باتوجه به اینکه در تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک در انتها ادغام وجود دارد؛ یعنی بعد از اینکه موضوع فعالیت به پایان رسید، این گروه اقتصادی نیز فعالیت خود را به پایان می‌رساند و همانند شرکت‌های تجاری دیگر به طور پی در پی به فعالیت خود ادامه نخواهد داد، لذا انتقال تعهدات شرکت بدون رضایت متعهدله و هم چنین معاوضه سهام سهامداران شرکت ادغام‌شونده با سهام یا عوض دیگر که شرکت ادغام‌کننده می‌پردازد، بدون موافقت کلیه سهامداران، مخالف صریح قانون است؛ زیرا مطابق اصل کلی حقوقی، قراردادهای خصوصی تأثیری در حقوق اشخاص ثالث ندارد. از جمله تعاریفی که برخی از نویسندگان حقوقی در تعریف اصطلاح گروه اقتصادی با منافع مشترک بیان داشته‌اند، گروه اقتصادی عبارت است از: «قراردادی که بین دو یا چند شخص که به طور مشترک تعهد انجام عمل را به عهده می‌گیرند»<sup>۱</sup>.

بعضی از نویسندگان حقوقی بر این باورند که منظور مقنن از حکم ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه، فراهم کردن بستر قانونی برای ایجاد مشارکتهای قراردادی بوده است؛ زیرا امکان ایجاد کنسرسیوم<sup>۲</sup> یا مشارکت از طریق ایجاد شخصیت حقوقی جدید تحت حاکمیت قانون تجارت از قبل فراهم بوده است و اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانسته‌اند از طریق یکی از شرکت‌های مذکور در قانون تجارت توان مالی و یا فنی خود را تجمیع کنند.<sup>۳</sup>

۱. خزاعی، حسین، یکی از خلاءهای حقوقی لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴، حقوقی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۴.

2. Consortium

۳. علوی یزدی، حمیدرضا، چالش‌های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، حقوق خصوصی، ۱۳۹۲، ص ۶۹.



گروه اقتصادی موضوع ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین در تعریفی که در ماده ۱۰۱ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ در این زمینه ارائه شده است، با یک موجودیت قانونی، اما با ماهیتی مشابه با مشارکت مدنی رو به رو هستیم. حال آنکه پرسشی که ما در پیش رو خواهیم داشت، این است که آیا گروه اقتصادی با منافع مشترک را می توان در قالب شرکت مدنی فرض کرد؟ آیا با توجه به فرض عدم شخصیت حقوقی برای شرکت مدنی، می توان این گروه اقتصادی را دارای شخصیت حقوقی دانست؟ و در عین حال، آن را یک مشارکت مدنی به حساب آورد؟ در پاسخ به این سؤالات باید بیان داشت که شاید ما با کمی مسامحه بتوانیم گروه اقتصادی را در معنای عام آن یک مشارکت مدنی به حساب آوریم و تفاوت‌هایی که ما در مواد ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۰۱ لایحه پیشنهادی قانون تجارت ۱۳۸۴ در زمینه چگونگی تشکیل این گروه و ماهیت آن در نظر گرفته‌ایم، از سوی قانون‌گذار و مانند آن به دیده اغماض بنگریم، اما در معنای خاص و برای ارائه یک مفهوم دقیق و منسجم برای این گروه نمی‌توانیم این تعریف را مناسب و یک مشارکت مدنی بدانیم.

### ۳.۲. در قالب مشارکت شرکتي

نویسندگان ایرانی این شرکت را با عنوان‌هایی نظیر شرکت پنهانی و شرکت مخفی یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup> به این معنا که شرکت مشارکتی به دو دسته تقسیم شده است:

۱. شرکت مشارکتی پنهان، شرکتی است که بدون تشریفات ثبت، تشکیل می‌شود و تنها یک نفر با شخص ثالث معامله می‌کند و شخص ثالث با اعضا آشنا نیست.
۲. شرکت مشارکتی آشکار، شرکتی است که بدون انجام تشریفات ثبت، در مقابل اشخاص ثالث آگاه از این مشارکت به فعالیت می‌پردازد.

شرکتی که امروزه در فرانسه با نام شرکت مشارکتی شناخته می‌شود، از همان ابتدا در مواد ۴۱ تا ۵۰ قانون تجارت ۱۸۰۱ این کشور پیش‌بینی گردید، اما به دلیل تفاوت‌هایی که با سایر شرکت‌ها داشت، در یک دسته‌بندی دیگری با نام انجمن مشارکتی آورده شد.<sup>۲</sup>

۱. دمرچیلی، محمد و دیگران، *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*. تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۵، ص ۷۱.

۲. حقانی، سعید، *گروه منفعت اقتصادی*. تهران: شهردانش، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱.

در مقایسه گروه اقتصادی با این نهاد موجود در قانون، به طور صریح می‌توان این معنا را برای گروه اقتصادی با منافع مشترک رد کرد؛ چرا که حتی اگر ما در اینجا بپذیریم و همچنین قائل به این باشیم که گروه اقتصادی با منافع مشترک بدون ثبت هم قابلیت ادامه به فعالیت خود را دارد، این گروه باز هم از نظر تشریفات، نحوه تشکیل، اداره آن و استناد اعمال گروه در برابر اعضا و اشخاص ثالث متفاوت است. بنابراین، این اصطلاح به هیچ عنوان مناسب تعریف و تبیین اصطلاح گروه اقتصادی با منافع مشترک نیست.

### ۳.۳. در قالب شخصیت حقوقی مستقل

بعضی از نویسندگان حقوقی در زمینه تعیین قالب برای گروه اقتصادی با منافع مشترک، قالب قراردادی و برخی قالب شرکتی را در نظر دارند. به عبارت دیگر، گروه اقتصادی با منافع مشترک را نمی‌توان در کنار نهادهای حقوقی شناخته شده‌ای همچون مشارکت مدنی، شرکت سهامی، شرکت تعاونی و مانند آن قرار داد، بلکه باید توجه نمود ممکن است گروه اقتصادی با منافع مشترک در قالب هر یک از این نهادها سازمان‌دهی شود یا اساساً به نحوی سازمان‌دهی شود که در هیچ قالب حقوقی شناخته شده‌ای قرار نگیرد و به این ترتیب تنها به عنوان یک رابطه قراردادی بین طرفین، موجود فرض شود.<sup>۱</sup>

این در حالی است که پاسخ روشنی در قبال ذکر این مورد که چرا گروه اقتصادی باید در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت شود، ندارند. در ماده ۱۰۳ لایحه پیشنهادی ۱۳۸۴ نیز برای عدم ثبت آن ضمانت‌اجرایی قائل شده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که این پاسخ، پاسخ منسجم و اثباتی برای سؤالات موجود در زمینه فرض شخصیت حقوقی مستقل گروه اقتصادی با منافع مشترک نیست؛ چرا که به نظر می‌رسد با ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها، قانون‌گذار برای آن یک شخصیت حقوقی مستقل در نظر گرفته است. در ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه آمده است: «تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و براساس قرارداد کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن

۱. فرهمند نیکو، محمد، *گروه اقتصادی با منافع مشترک*. تهران: بنیاد نظریه پردازان عدالت، ۱۳۹۵، صص ۱-۲.

و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است». اگرچه عبارت شرکت مدنی در قوانین تعریف نشده است، ولی به عقد شرکت که به تسامح شرکت عقدی و یا شرکت مدنی گفته می شود، حاصل توافق و تراضی دو یا چند نفر است که موجب تحقق اشاعه در اعیان آورده‌ها و سود و زیان حاصله می‌گردند.

لکن ابهام مهمی که در این ماده وجود دارد، عبارت ثبت در مرجع ثبت شرکت‌هاست؛ چه اینکه قالب حقوقی شرکت مدنی در حقوق ایران صرفاً یک قرارداد مشارکتی است که تحقق آن مستلزم امتزاج دو یا چند مالکیت با یکدیگر است. بدون اینکه اصالت مالکیت‌ها از بین برود، صرفاً به حالت اجتماع در می‌آید و ثبت شرکت‌نامه به موجب بند ۲ ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک، به معنای صحت و سقم عقد شرکت نیست، بلکه ثمره آن اثبات وقوع عقد شرکت است و خصوصیت دیگری ندارد. اما ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها نقطه تولد یک شخصیت حقوقی است. بنابراین چنانچه گروه اقتصادی با منافع مشترک را در قالب یک شخصیت حقوقی مستقل از شرکا فرض کنیم، پیامد این شخصیت حقوقی بر اساس اصول کلی حقوق، دارای حقوق و تعهدات مستقل، نام، عنوان و اقامتگاه مستقل و اموال مخصوص به خود است. از طرفی به اشخاص اجازه می‌دهیم یک نهاد حقوقی در قالب شرکت مدنی تأسیس کنند، اما همه آثار شرکت مدنی بر آن بار نشود؛ به نحوی که مسئولیت تضامنی شرکا در مقابل شخص ثالث را الزامی بدانیم و این خلاف صریح قانون مدنی است. براساس قانون مدنی، هر شخص مسئول اعمال حقوقی خویش است و در مقابل، اشخاص ثالث به تنهایی ضامن دیون و خسارات می‌باشند.<sup>۱</sup>

با توجه به مباحثی که تاکنون در زمینه ماهیت و شخصیت حقوقی مستقل گروه اقتصادی با منافع مشترک بیان شده است، می‌توان گفت که گروه اقتصادی با منافع مشترک در قالب یک تأسیس حقوقی جدید ایجاد می‌شود. در واقع، در خصوص شخصیت حقوقی مستقل، نه می‌توان این گروه را یک مشارکت مدنی صرف به حساب آورد و نه شرکت؛ بلکه تلفیقی از این دو با شخصیت حقوقی مستقل است؛ از آن نظر که گروه اقتصادی با منافع مشترک در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت می‌گردد، باید آن را دارای یک شخصیت حقوقی مستقل، یعنی دارای نام و

۱. فرهمند نیکو، محمد، *گروه اقتصادی با منافع مشترک*، تهران: بنیاد نظریه‌پردازان عدالت، ۱۳۹۵، ص ۳.

اقامتگاه مستقل، تلقی کنیم و از آن نظر که در قالب شرکت مدنی تعریف شده با رعایت ضوابط و شرایط آن است، فاقد حقوق، تعهدات و اموال مخصوص به خود تلقی نماییم. به طور کلی، به نظر می رسد که این نظریه به نحوی قابل هضم تر و مناسب تر برای گروه اقتصادی است؛ چرا که همیشه نویسندگان حقوقی ما سعی بر آن دارند که با قراردادن در یک قالب حقوقی قدیمی خلأهای موجود در قوانین را از بین ببرند. این در حالی است که ما می توانیم برای مشکلات و ابهامات موجود در قوانین خود چاره‌اندیشی‌های به‌روزتری با توجه به تحولات اقتصادی-اجتماعی خود داشته باشیم و قوانین نظام حقوقی خود را منسجم‌تر و کارآمدتر نماییم.

از بررسی اجمالی مواد ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه و مواد ۱ و ۲ و ۲۰ و ۲۲۰ قانون تجارت نیز چنین برمی آید که این ماده با صراحت قانون تجارت و روح حاکم بر آن در موارد ذیل مغایرت دارد. به عبارت دیگر، زمانی که ما گروه اقتصادی را در قالب یک شرکت مدنی فرض نماییم که فعالیت تجاری دارد، این موضوع به ذهن متبادر می شود که گروه اقتصادی با منافع مشترک در ذیل شرکت‌های مندرج در ماده ۲۲۰ قانون تجارت قرار می‌گیرند و همان مسئولیت تضامنی برای اعضا را می توان در رابطه با گروه اقتصادی با منافع مشترک در نظر گرفت. زیرا در واقع، قانون تجارت، مشارکت گروهی افراد را برای امور تجاری صرفاً در قالب شرکت‌های تجاری مندرج در ماده ۲۰ این قانون پذیرفته و لذا امکان فعالیت اشخاص حقوقی در امور تجاری جز در قالب شرکت‌های تجاری در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نشده است. درحالی که ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه، فعالیت تجاری گروهی افراد به صورت مشارکت مدنی را قبول نموده است. پذیرش این امر با مواد پیش‌گفته مغایرت دارد؛ زیرا وفق این مواد، هرکس به امور تجاری مندرج در ماده ۲ قانون تجارت اهتمام ورزد، تاجر تلقی می گردد. در نتیجه، فعالیت گروهی افراد به امور تجاری تنها می‌تواند در قالب یکی از انواع شرکت‌های ماده ۲۰ قانون تجارت تحقق یابد. اگرهم اعمال خود را به صورت یکی از انواع شرکت‌های مذکور منطبق نکرده باشند، برابر با ماده ۲۲۰ قانون تجارت، در قالب یک شرکت تضامنی تلقی می‌گردد. زیرا وفق ماده ۲۲۰ قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «هر شرکت فعال که وجود داشته یا در آینده تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در

نیاورده و مطابق مقررات آن شرکت عمل ننماید، شرکت تضامنی محسوب شده و احکام مربوط به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد».

این در حالی است که مشارکت مدنی در امور تجاری در قانون تجارت پذیرفته نشده است. تلقی برخی از حقوق‌دانان از این ماده این است که این ماده به حیات شرکت‌های مدنی خاتمه داده است و هر گونه شرکتی که بدون رعایت یکی از اشکال مندرج در این قانون، ولو به شکل شرکت مدنی، تشکیل شده باشد، بی‌توجه به قصد تشکیل‌دهندگان، آن را از جمیع جهات شرکت تضامنی تلقی می‌کند و احکام شرکت‌های تضامنی مندرج در مواد ۱۱۶ الی ۱۴۰ قانون تجارت رادر مورد آنان مجری می‌داند. اما نظر دیگر در خصوص ماده مذکور این است که از دیدگاه حمایت از حقوق اشخاص ثالثی که با شرکت‌های مدنی طرف معامله قرار می‌گیرند، وضع شده است و صرفاً مسئولیت شرکای این شرکت‌ها در قبال اشخاص ثالث تضامنی تلقی می‌شود. اما سایر احکام شرکت‌های تضامنی و مهم‌تر از همه، ایجاد شخصیت حقوقی جدید بدون اراده و تراضی شرکا و تشکیل‌دهندگان شرکت، مدنظر قانون‌گذار نبوده است.<sup>۱</sup>

با این حال، وضعیت حقوقی در ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه متفاوت است؛ چه به موجب ماده فوق، از یک سو ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک در اداره ثبت شرکت‌ها الزامی است و از سوی دیگر، نوع فعالیت آن را مشارکت مدنی تلقی نموده است.

#### ۴. چالش‌های موجود در حوزه شخصیت حقوقی گروه منفعت اقتصادی مشترک

براساس کارکرد گروه منفعت اقتصادی مشترک و عدم شناسایی شخصیت حقوقی برای این گروه، چندین چالش و نارسایی در این زمینه متبلور می‌گردد.

##### ۴.۱. تأثیر فقدان شخصیت حقوقی گروه و ایجاد تزلزل در بقای آن

شخصیت حقوقی<sup>۲</sup> برای گروه اقتصادی می‌تواند دارای آثار مثبت و فراوانی باشد که موجب وجه تمایز و استقلال این شخص جدید از شخصیت اشخاصی است که آن را ایجاد کرده‌اند؛ زیرا

۱. علوی یزدی، حمیدرضا، چالش‌های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، حقوق خصوصی، ۱۳۹۲، ص ۶۹.

2. Legal personality

در این صورت، شخص حقوقی جدید دارای نام، حقوق، تعهدات، اقامتگاه و ارکان اداره کننده خواهد شد و به نوعی مجزا از مؤسسين خود تلقی می‌گردد.

از همه مهم‌تر، پس از ایجاد و تشکیل، قوام و بقای آن به وضعیت اشخاص وابسته نیست و موجودیت آن تابع احکام خاص مانند مقررات مندرج در اساسنامه و قانون تشکیل دهنده آن شخصیت حقوقی است؛ مانند قانونی که نهادهای عمومی و دولتی را وفق ماده ۵۸۷ قانون تجارت، واجد شخصیت حقوقی قلمداد می‌کند و اساساً تغییر در وضعیت و یا اهلیت اشخاص مؤسس آنها عموماً مؤثر بر انحلال یا بقایشان نیست.<sup>۱</sup>

بالعکس، فقدان شخصیت حقوقی موجب می‌شود طبق حکم ذیل تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنجم توسعه که مقرر می‌دارد: «فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود، مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد».

بنابراین، از حیث قوام و بقای گروه اقتصادی، فقدان شخصیت حقوقی نه تنها امتیاز نیست، بلکه این ضعف موجب دلسردی شرکا در توسعه اقتصادی و ایجاد سرمایه گذاری زیربنایی و ساختاری خواهد بود. وانگهی اگر گروه اقتصادی واجد شخصیت حقوقی باشد، انحلال آن تابع مقررات حاکم، از جمله قانون تشکیل، قانون تجارت و یا اساسنامه آن، خواهد بود که در نتیجه بقای شرکت از استحکام لازم برخوردار می‌گردد.

#### ۴.۲. معضلات طرح دعوا له و علیه گروه اقتصادی فاقد شخصیت حقوقی

ممکن است اذعان شود که این تأسیس حقوقی نوعی از شرکت است؛ زیرا برخی از آثار شخصیت حقوقی را مانند انجام فعالیت اقتصادی در قالب اجتماع اشخاص متعدد و اداره آن با مدیریت خاص و همچنین داشتن نام معین و شماره ثبت و ... داراست، ولی درعین حال قانون گروه اقتصادی را بدون شخصیت حقوقی دانسته است.

اثر منفی این عدم شخصیت حقوقی در زمانی بروز خواهد نمود که گروه اقتصادی، خواهان و خوانده دعوا قرار گیرد و اشخاص به عنوان خواهان علیه این قبیل گروه اقتصادی دعوی حقوقی تحت هر عنوان مطرح نمایند. موضع قانون در این خصوص شفاف نیست، ولیکن آیین دادرسی دارای اصول و قواعد ویژه‌ای است و جزء همان مقررات را بر نمی‌تابد. هنگامی که گروه اقتصادی

۱. حقانی، سعید، گروه منفعت اقتصادی. تهران: شهردانش، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷.

دارای شخصیت حقوقی نباشد، شخص محسوب نمی‌شود تا به حکم ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی، طرف حق و تکلیف واقع شود و بتواند تعهداتی را برعهده گیرد تا علیه آن طرح دعوا نماید و مورد ابلاغ واقع شود. از سوی دیگر، هنگامی که قانون، مسئولیت تضامنی را برای اعضای گروه یا شرکا قائل شد، نیز مؤید همین امر است که مسئولیت متوجه شرکاست و نباید گروه اقتصادی را خواننده دعوا قرار داد. اما در عین حال، هنگامی که گروه اقتصادی به ثبت می‌رسد و الزاماً نیز در هنگام ثبت نشانی مشخصی را اعلام می‌نماید، ظهور در این دارد که امکان طرح دعوا علیه گروه اقتصادی وجود دارد. با این وصف، چون این امر از صراحت قانونی برخوردار نیست که امکان طرح دعوا علیه گروه اقتصادی میسر است و در عین حال دعوا به موجب قانون آیین دادرسی مدنی فقط علیه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ممکن است، قطعاً گروه حقوقی دارای شخصیت حقوقی به حکم قانون نیست و یقیناً شخص حقیقی نیز محسوب نمی‌شود. در این صورت، نباید طرح دعوا به صرف داشتن شماره ثبت علیه گروه اقتصادی ممکن باشد.<sup>۱</sup>

اگر گروه منفعت اقتصادی دارای شخصیت حقوقی باشد و بخواهد طرح دعوا نماید، در دادخواست، نام و اقامتگاه آن به عنوان خواهان نوشته می‌شود. در این حالت، گروه منفعت اقتصادی، باید توسط شخصی که به موجب قانون یا اساسنامه مؤسسه و شرکت اجازه اقامه دعوا از سوی گروه را دارد، صورت پذیرد.

#### ۴.۳. مالکیت گروه منفعت اقتصادی فاقد شخصیت حقوقی

اگر گروه منفعت اقتصادی را قائل به شخصیت حقوقی بدانیم، تملک و مالکیت اموال منقول و غیرمنقول خود را در اختیار دارند. لیکن مالکیت اموال گروه منفعت اقتصادی صرفاً از نوع منقول است، ولو اینکه اموال غیرمنقول باشند؛ چرا که سرمایه شرکت که در قالب سهام یا سهمیه منعکس است، تحت عنوان اموال منقول تقویم و محاسبه می‌شود. ضمناً گروه منفعت اقتصادی به عنوان جزئی از اشخاص حقوقی، تشکیل‌دهنده شخصیت حقوقی، هیچ‌گونه حق یا تملکی بر اموال شرکت ندارند.<sup>۲</sup>

۱. جعفری هرندی، مهشید، بررسی دامپینگ و مقابله حقوقی آن در نظام حقوقی اسلام و ایران، پژوهش‌های فقهی، ۱۳۹۴، ص ۳۱.  
 ۲. صفری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها: قواعد عمومی، شخصیت حقوقی، شرکت‌های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط. تهران: سهامی انتشار، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳.

بر این اساس، اگر گروه منفعت اقتصادی دارای شخصیت حقوقی نباشد، قادر نخواهد بود تملک و تملیکی را انجام دهد؛ زیرا برابر ماده ۴۳۲ پیش نویس لایحه تجارت: «اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی می‌باشند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیعتش می‌تواند دارای آنها باشد».

برابر این ماده، گروه منفعت اقتصادی، در صورتی قادر به تملیک و تملک است که از شخصیت حقوقی برخوردار باشد.

#### ۴.۴. فقدان شخصیت حقوقی و دارایی‌های گروه منفعت اقتصادی

دارایی اشخاص حقوقی مربوط به اشخاص حقیقی (سهامدار، مدیر عامل یا اعضای هیئت مدیره) نیست و اشخاص حقیقی که شخص حقوقی را به وجود آورده‌اند، اجازه دخل و تصرف در دارایی‌های شرکت را ندارند. مضافاً اینکه مسئولیت‌ها و تعهدات شخص حقوقی نیز بر عهده اشخاص حقیقی نیست، جز در موارد شرکت‌های نسبی مسئولیت شرکا محدود به میزان سهم‌الشرکه آنهاست.<sup>۱</sup>

ماده ۵۸۸ قانون تجارت مقرر داشته است که شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و تکالیفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد».

ماده ۵۸۹ مقرر داشته است که تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه، صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته می‌شود. لذا در بادی امر چنین به نظر می‌آید که شخص حقوقی می‌تواند اموال خویش را با تصمیم مدیران خود مدیریت نماید.<sup>۲</sup>

بر این اساس، گروه منفعت اقتصادی زمانی می‌تواند از دارایی و اموال برخوردار باشد که شخصیت حقوقی بر آن بار نمود. اما با فقدان شخصیت حقوقی، امکان آن برای این گروه ممکن نخواهد بود.

۱. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت*. تهران: سمت، ۱۳۹۰، ص ۴۹.

۲. عامری، پرویز، مصلحیان، هاجر، *وقف اموال اشخاص حقوقی به وسیله مدیران*، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲.



## نتیجه گیری

گروه اقتصادی در حقوق ایران، یک تأسیس حقوقی جدیدی است که مقنن به منظور ایجاد تسهیل و رونق اقتصادی و تجاری، آن را در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور پیش‌بینی نموده است. متأسفانه، مقنن علی‌رغم تأکید بر ثبت گروه اقتصادی، برای آن شخصیت حقوقی قائل نیست. وجود شخصیت حقوقی را نباید مانعی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و تجاری تلقی نمود که در قانون موصوف تأکید بر عدم ضرورت آن گردید. فقدان شخصیت حقوقی برای گروه اقتصادی منشأ مشکلات عدیده‌ای هم برای اعضا یا شرکا و هم برای اشخاص ثالث طرف معامله با این گروه خواهد شد؛ زیرا هنگامی که گروه اقتصادی فاقد شخصیت حقوقی باشد، فوت و حجر یا ورشکستگی و... هر یک از اعضای این گروه موجب انحلال و خاتمه یافتن فعالیت آن و در نهایت ناامیدی نسبت به سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط سایر شرکا می‌گردد. از سوی دیگر، اشخاص ثالث طرف قرارداد با گروه اقتصادی نیز به دلیل همین فقدان شخصیت حقوقی برای گروه اقتصادی، از این حیث که گروه نمی‌تواند واجد اموال و دارایی باشد، در نتیجه نمی‌تواند هیچ اعتمادی را همانند معاملات مشابه با شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی جلب نماید. در فرض اخیر، از یک سو تمام تکیه اشخاص ثالث به توانمندی و دارایی یک‌یک اشخاصی خواهد بود که همیشه در معرض خطر ورشکستگی یا اعسار قرار خواهند داشت و این امر نیز دارای اثرات ناگواری است. از سوی دیگر، چون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی برای طرح دعوا الزامی است، در این صورت قانون صرفاً اجازه طرح دعوا علیه شخص حقیقی و یا حقوقی را منفرداً خواهد داد. حال با ایرادات موجود که گروه اقتصادی دارای شخصیت حقوقی نیست، چگونه ممکن است خواننده دعوا قرار گیرد. در این صورت، اشخاص ثالث به عنوان خواهان ناچارند علیه یک‌یک شرکا طرح دعوا نمایند که در این صورت هم موجب اطاله دادرسی به دلیل کثیر بودن شرکا خواهد بود و هم سبب تحمیل هزینه دادرسی مضاعف بر خواهان می‌شود و از همه مهم‌تر آنکه شناسایی مشخصات فردی هر یک از اعضای گروه برای اقامه دعوا در بدو امر بسیار برای خواهان مشکل است. بنابراین، ضروری است یا گروه اقتصادی به حکم مقنن دارای شخصیت حقوقی گردند و یا مقنن اجازه طرح دعوا به صرف ثبت شدن گروه اقتصادی را روا سازد تا مشکلات فقدان شخصیت حقوقی گروه اقتصادی تا حدودی از این منظر مرتفع شود.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت*. تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲. اشمیتوف، کلائیوام، *حقوق تجارت بین الملل*. ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و دیگران، تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۳. حقانی، سعید، *گروه منفعت اقتصادی*. تهران: شهردانش، ۱۳۹۱.
۴. دمرچیلی، محمد و دیگران، *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*. تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۵.
۵. صفری، محمد، *حقوق بازرگانی شرکت‌ها: قواعد عمومی، شخصیت حقوقی، شرکت‌های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط*. تهران: سهامی انتشار، ۱۳۹۳.
۶. فرهمند نیکو، محمد، *گروه اقتصادی با منافع مشترک*. تهران: بنیاد نظریه پردازان عدالت، ۱۳۹۵.

## مقاله

۷. جعفری هرندی، مهشید، *بررسی دامپینگ و مقابله حقوقی آن در نظام حقوقی اسلام و ایران*، پژوهش‌های فقهی، ۱۳۹۴، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۴۴۳-۴۸۸.
۸. خزاعی، حسین، *یکی از خلاءهای حقوقی لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴*، حقوقی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۶۴.
۹. رستم‌زاده، قاسم، *بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ (گروه اقتصادی با منافع مشترک)*، قضاوت، ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۷۴، صص ۱-۳۹.
۱۰. عامری، پرویز و هاجر مصلحیان، *وقف اموال اشخاص حقوقی به وسیله مدیران*، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۹۱.

۱۱. علوی یزدی، حمیدرضا، چالش های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع

مشترک، حقوق خصوصی، ۱۳۹۲، دوره ۲، شماره ۴، صص ۶۵-۸۴.

۱۲. الویری، مرتضی، نقش مناطق آزاد ایران در توسعه صادرات غیر نفتی، روزنامه

سلام، مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۰، دوره ۷، شماره ۱۸۳۶.

#### پایان نامه

۱۳. ناجی، فراز، «جوینت ونچرهای ایرانی-خارجی و نکات حقوقی راجع به تشکیل آنها».

پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات ۱۳۸۲.

